

چگونگی و الگوها

سید صادق سیدنژاد

آفرینش انسان به گونه‌ای است که کمال واقعی او از طریق مجموعه رفتارها و عملکردهای اختیاری و آگاهانه او امکان پذیر می‌باشد. بر این اساس، در نهاد و سرشت او غرائز و استعدادهای زیادی به ودیعت گذاشته شده است تا در شرایط و موقعیت‌های مختلف از طریق به کارگیری روش‌های مناسب از این نیروهای درونی برای تحقق بخشیدن به کمالات موردنظر به صورت شایسته بهره‌برداری کند. روشن است که امکان استفاده از شیوه‌های متنوع، علاوه بر آسان ساختن روند سیر به سوی کمالات، آهنگ پیشرفت آن را نیز سرعت می‌بخشد. الگوپذیری یا استفاده از شیوه الگویی یکی از این توانمندی‌های مهم آدمی است که ریشه در نهاد آدمی دارد. این شیوه در زندگی فردی و اجتماعی انسان کارکردهای گوناگونی دارد. گاهی به عنوان یکی از عوامل مهم تربیت، بستر پرورش فضایل انسانی و سجایای اخلاقی را فراهم می‌سازد. گاهی در کمک به هماهنگ‌سازی اجتماعی، زمینه آموزش اصول و مقررات پذیرفته شده اجتماعی را به نسل‌های آینده آماده می‌کند و زمانی هم، علاوه بر انتقال ارزش‌های فرهنگی، به تثبیت و ترویج آموزه‌های اعتقادی، فکری کمک می‌کند.

جوان و الگوپذیری: الگوپذیری، یعنی فرایند پیروی از یک مُدل عینی و راهنمای عمل در رفتار و کردار، گرچه در همه دوره‌های زندگی انسان کم و بیش مطرح است ولی این کار در دوره کودکی و جوانی کارکرد بیشتری دارد. با این تفاوت که این کار در دوره کودکی اغلب ناآگاهانه و به صورت تقلید صرف انجام می‌گیرد ولی در دوره جوانی تا حدودی آگاهانه و متأثر از احساسات و عواطف و مبتنی بر یک سری نگرش‌های ارزشی هرچند سطحی می‌باشد.

در دوره جوانی، که مهم‌ترین دوره تکوین شخصیت افراد است، رشد کمالات انسانی از سرعت بیشتری برخوردار می‌گردد. چون در این دوره فرد در آستانه ورود به جامعه است و همواره تلاش می‌کند که شخصیت خود را به گونه‌ای پیریزی کند که سریع‌تر و بیش‌تر از دیگران مورد توجه هموعان و حتی سایر اقشار جامعه قرار گیرد و بیش از سایر افراد به فضایل و صفاتی، که مورد توجه دیگران است، آراسته باشد. جوان معمولاً برای نیل به این هدف به دنبال ابزارها و شیوه‌های مؤثری می‌گردد، که یکی از مهم‌ترین اموری که در این راستا برای جوان مفید واقع می‌گردد وجود یک سرمشق و الگویی است که مراحل از کمالات را با موفقیت پیموده باشد و از مقبولیت در پیش مردم نیز برخوردار باشد.

مشاهده عینی این‌گونه افراد که به عنوان قهرمان یا افراد موفق و سرآمد شناخته می‌شوند و در دیدرس قرارگرفتن چگونگی صعود آنان به قله‌های کمالات، جوان را به این اندیشه واهی دارد که چه بهتر است او نیز همانند قهرمانان عرصه‌های فضایل و کمالات به گونه‌ای عمل کند که در مسیر رشد و تعالی قرار گیرد. در اثر پیدایش چنین علاقه‌ای، الگوپذیری به عنوان یک عکس‌العمل درونی در وجود او بروز می‌کند. و به دنبال آن، جوان درصدد برمی‌آید تا از طریق منطبق ساختن رفتارهای خود با مجموعه اعمال و رفتارهای الگوی موردنظر، زودتر از دیگران به کمالات انسانی و سجایای اخلاقی دست یابد.

اسلام و الگوها: در تعالیم اسلامی نه تنها به استفاده از الگوهای مناسب توصیه و تأکید شده است، بلکه علاوه بر تشریح و تبیین ویژگی‌های یک الگو و سرمشق کامل، در مواردی که ضرورت ایجاد کرده است مصداق‌های عینی نیز به عنوان الگو و اسوه معرفی می‌شود. در قرآن کریم حداقل به دو شیوه معرفی اسوه و الگو برمی‌خوریم. گاهی از طریق بیان ویژگی‌ها و اوصاف، مصداق‌های کلی این کار انجام می‌گیرد. مثل آنجا که از مخلصین، مهتدین، مفلحین یا عبادالرحمان و یا خاشعین و متقین و... سخن می‌گوید. در دسته‌ای دیگر از آیات از طریق اسوه معرفی کردن مصداق‌های عینی، از انسان‌های کامل به ضرورت سرمشق قراردادن آنان تصریح و تأکید می‌شود. به عنوان مثال، در سوره احزاب پس از بیان وقایع جنگ احزاب و عملکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، رسول خدا صلی الله علیه و آله را الگوی شایسته برای کسانی که به خدا و روز قیامت

امید و اعتقاد دارند و همیشه به یاد خدا هستند^(۱) معرفی می‌کند. در آیه دیگر تصریح می‌نماید: برای شما در ابراهیم و آنهایی که از او پیروی و تبعیت کردند الگو و سرمشقی نیکو است.^(۲)

علاوه بر این، در مجموعه رهنمودهای قرآن کریم و اولیای الهی حتی پس از معرفی الگو و تبیین اوصاف الگوهای شایسته، از ضرورت جامعه الگو و امت الگو بودن جوامع اسلامی نیز سخن به میان آمده است. بر این اساس نه تنها تک تک افراد مسلمان موظفند از طریق کسب کمالات و برخورداری از فضایل اخلاقی به افراد سایر جوامع الگو باشند بلکه در کل، جامعه اسلامی آنان باید به گونه‌ای پی‌ریزی و اداره شود که در میان سایر جوامع به عنوان، یک جامعه موفق در همه عرصه‌های علم و دانش و تقوا و رفاه و... شناخته شود تا شایستگی الگو بودن به دیگران را داشته باشد. در آیه‌ای از قرآن کریم چنین آمده است: این چنین شما را امت و جامعه میانه و معقول قرار دادیم تا شما برای مردم الگو و سرمشق باشید و پیامبر نیز برای شما الگو و سرمشق باشد.^(۳)

روشن است، جامعه الگو با سستی و تنبلی و بی‌نظمی و هرج و مرج و اسراف و بی‌تفاوتی در هزینه سرمایه‌های مادی و معنوی و از دست دادن فرصت‌های خوب عمر جوانان و همین‌طور راحت‌طلبی و شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیت‌ها و مصرف‌کننده کالاهای جوامع دیگر هرگز سازگار نخواهد بود.

تأثیر الگوها بر جوانان: همان‌گونه که اشاره شد الگوها از جهات مختلفی در تکوین شخصیت و سرنوشت قشر جوان مؤثر واقع می‌گردند، برخی از تأثیرات عمده الگوها عبارتند از:

- یکی از مهم‌ترین آثار الگوها، ارشاد و هدایت قشر جوان است. بسیاری از امور لازم و کارهای ضروری و سرنوشت‌ساز را جوانان به دلیل عدم برخورداری از تجربه کافی و علم و دانش زیاد نمی‌توانند به راحتی درک کنند اما به محض آشنا شدن با الگوی مناسب از طریق بررسی مجموعه عملکردهای او به راحتی تشخیص می‌دهد که چه کاری را در چه شرایطی با استفاده از چه شیوه‌ای باید انجام دهد. در اهمیت نقش اسوه و الگو گفته می‌شود: نقش الگو در راهنمایی انسان‌ها همانند سرمشق برای آموزش و قطب‌نما برای پیمودن راه است؛ او نادانسته‌ها را به فرد می‌آموزد و بایسته‌ها را نشان می‌دهد.

- گرایش به الگو، افکار جوان را منسجم و نظام‌مند می‌کند و به او این امکان را می‌دهد که استعدادها و توانمندی‌های ذهنی خود را در راستای اهداف و کمالاتی که در پی آنهاست سازمان‌دهی کرده و از هدر رفتن آن‌ها جلوگیری به عمل آورد.

- جوان از طریق مشاهده همت والا و تلاش و کوشش‌های سازنده الگو و

سرمشق، می‌آموزد که او نیز به جای سستی و تنبلی و مشغول شدن به کارهای بیهوده و نیز به جای غرق شدن در یک زندگی معمولی روزمره با کوشش و پشتکار بیشتر به یک حیات ارزشمند متعالی دست یابد تا در آینده علاوه بر موفقیت در زندگی فردی، برای جامعه خود نیز فردی مفید و تأثیرگذار باشد.

- جوان به موازات شناخت ابعاد مختلف شخصیت اسوه و سرمشق موردنظر، به استعدادهای راكد و ظرفیت‌های ناشناخته موجود در وجود خویش پی می‌برد و پس از آگاهی از کارایی و شیوه بهره‌برداری از آن‌ها، آن توانمندی‌ها را نیز در راستای انجام وظایف و کارهایی که برای نیل به اهدافش لازم است مورد استفاده قرار دهد.

- فایده و تأثیر مهم دیگر الگو آن است که در ارزیابی عملکردها و سنجش نیک و بد رفتارها و در تشخیص خوبی و بدی کارها مفید واقع می‌گردد.

توضیح آن‌که، اگر الگو به صورت مناسب انتخاب شده باشد می‌تواند میزان سنجش اعمال آدمی باشد، فرد از طریق تطبیق عملکردها و مقایسه رفتارهایش با اعمال و رفتار الگو، به کم و کیف آن‌ها پی خواهد برد و از این طریق، به جبران نواقص و ترمیم نارسایی‌های رفتارها و کردارهای خود اقدام خواهد نمود. در فرهنگ اسلامی با توجه به همین حقیقت است که از امامان به عنوان میزان‌های اعمال افراد یاد می‌شود؛ یعنی هرکس از طریق مقایسه عملکردهای خود با سیره عملی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به راحتی می‌تواند به صواب و ناصواب بودن آن‌ها پی ببرد.

بایدها و نبایدهای انتخاب الگو: در هر جامعه‌ای عده‌ای با در نظر گرفتن جهان‌بینی و ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه، در کارهای خیر و صحیح و پذیرفته شده از دیدگاه عامه مردم پیشتاز می‌شوند. در مقابل، عده‌ای دیگر به لحاظ تبعیت از هوی و هوس‌ها در بدی و کژاندیشی و خودخواهی و تجاوز به حقوق دیگران و... پیشقدم می‌شوند. بر این اساس، دسته اول الگو برای افراد نیکوکار و خیرخواه و دسته دوم مقتدای انسان‌های قانون‌گریز و آلوده به انواع فسق و فجور و بی‌توجه به ارزش‌های اصیل انسانی و... واقع می‌شوند. بنابراین، هر فرد قبل از گزینش الگو و پس از در نظر گرفتن اعتقادات و اصول و ارزش‌های اصیل اعتقادی و فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی خود، در پی یافتن فردی که مظهر و آینه تمام‌نمای این‌گونه معارف و ارزش‌هاست می‌باشد تا از طریق پیروی و تبعیت از رفتارها و عملکردهای مناسب او، به اهداف و آرمان‌های واقعی انسانی که ضامن سعادت حیات دنیوی و اخروی فرد هستند دست یابد. روشن است که این کار وقتی به درستی انجام خواهد گرفت که انسان از قبل با ارزش‌های اصیل فکری و اعتقادی جامعه اسلامی آشنایی داشته باشد تا

بتواند میزان آراستگی افراد به این ارزش‌ها را تشخیص دهد. بنابراین، اولین شرط انتخاب الگوی مناسب، شناخت احکام و معارف اسلامی است. اگر این قدم به درستی برداشته شود در مراحل بعدی از طریق تطبیق رفتارها و عملکردهای افرادی که در جامعه به عنوان الگو مطرح می‌باشند با این ارزش‌های متعالی اسلامی به راحتی می‌توان الگوی مناسب را تشخیص داد به عبارت دیگر، همان‌طور که در همه‌گزینش‌ها موفقیت در گرو عمل از روی علم و آگاهی است به همین ترتیب، در انتخاب الگو هم وقتی فرد موفق به تشخیص الگوی بهتر خواهد شد که با در نظر گرفتن همه ملاک‌ها و معیارهای موجود در این زمینه از روی علم و آگاهی به همه جوانب به انتخاب الگو اقدام کند.

مسئله مهم دیگری که در انتخاب الگو ضرورت دارد، توجه به ترفندها و نقشه‌های استخبار جهانی است چرا که امروزه سردمداران نظام‌های استخباری جهت دست یافتن به اهداف سیاسی و اقتصادی و فرهنگی استعماری خود از طریق به کارگرفتن تمام امکانات تبلیغی به معرفی الگوهای دروغینی می‌پردازند که جز به فساد و تباهی کشاندن نیروهای خلاق سایر جوامع و یا حداقل سرگرم ساختن قشرهای تأثیرگذار این جوامع به کارهای غیرمفید و غیر لازم نتیجه‌ای در پی ندارند. آنان اغلب از این راه به همواره ساختن زمینه اجرای نقشه‌های شوم خود می‌پردازند تا از طریق مشغول ساختن قشرهای سرنوشت‌ساز سایر جوامع خود در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و... زمام امور آنان را در دست بگیرند. سردمداران نظام‌های سرمایه‌داری در راستای تکمیل نیت پلید خویش، به موازات معرفی الگوهای دروغین و تبلیغ و ترویج آن‌ها، شخصیت‌های برجسته سایر جوامع را، که بهترین مصداق الگوهای برتر هستند، از طرق مختلف از دیدرس افراد جامعه خارج می‌سازند. این کار را گاهی از طریق تخریب ارزش‌های بومی و اعتقادات پذیرفته شده مردم جامعه یا ترور شخصیت افراد برجسته و... انجام می‌دهند. در نتیجه، اندک اندک اقشار مختلف، به ویژه قشر جوان جوامع تحت تأثیر تبلیغات استعمارگران به این الگوهای دروغین گرایش پیدا کرده و به تدریج از اصول و ارزش‌های فکری و فرهنگی خود فاصله می‌گیرند و پس از اندک زمانی تمام دست‌آورد‌های فرهنگی و فکری این‌گونه جوامع در مقابل فرهنگ مهاجم استخبار جهانی رنگ می‌بازد و زمینه استیلای همه‌جانبه استخبار جهانی تحقق پیدا می‌کند.

برای جلوگیری از چنین پیشامد شوم و خطرناکی باید تک‌تک افراد رگزینش الگو و متولیان مسائل فرهنگی و مدیران رسانه‌های عمومی و مسئولین مراکز آموزشی در الگو دهی و معرفی اسوه‌ها دقت کافی بنمایند تا افراد جامعه از دچار شدن به الگوهای دروغین در امان بمانند. علاوه بر این، ضرورت دارد که برای قشر جوان با توجه به ویژگی‌های خاص آن، الگوهای ویژه‌ای معرفی شود

چرا که وجود نقاط مشترک بیش تر میان فرد الگو و الگوپذیر به روند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری سرعت بیش تری می‌بخشد. بر این اساس، با در نظر گرفتن تفاوت‌های اقشار مختلف مردم جامعه از جهت توانمندی‌های فکری و عملی و حتی سنی، می‌توان الگوهای خاصی برای کودکان، جوانان، نوجوانان و بزرگسالان معرفی کرد.

در عین حال توجه به کامل تر بودن الگوهای گزینش شده یا شناسایی ابعاد برجسته وجودی افرادی که به عنوان الگو برگزیده می‌شوند، از دچار شدن به سردرگمی و خطا جلوگیری به عمل می‌آورد. توضیح آن‌که جز افراد معصوم عليه السلام سایر افراد هرچند در عرصه‌های فکری و اخلاقی و... از کمالات و برجستگی‌های بیش تری برخوردار باشند، اما نمی‌توانند در همه زمینه‌ها الگو و سرمشق باشند. بنابراین، باید الگوپذیر دقت کند که به اشتباه از جنبه‌های منفی شخصیت افراد به بهانه برخورداری از برجستگی در ابعاد دیگر متأثر نشوند بلکه از ویژگی‌های مثبت آن‌ها در راه نیل به اهداف برتر استفاده نمایند.

سرانجام نکته مهم دیگر آن‌که ضرورت دارد بین الگوهای ارائه شده برای اقشار مختلف هماهنگی کامل وجود داشته باشد. امروزه یکی از مشکلات عمده در شیوه الگوپذیری و الگو دهی ناهماهنگی در میان الگوهای بخش‌های مختلف جوامع است. اگر نهادهای مختلف جامعه از توانمندی‌های لازم برخوردار باشند و هماهنگی لازم در بین عقاید و ارزش‌ها و مقررات حاکم بر جامعه برقرار باشد، الگوهای ارائه شده توسط بخش‌های مختلف جامعه از هماهنگی و هم‌سویی در اهداف برخوردار خواهند شد. و بدین ترتیب، هرگز شاهد تعارض در بینش الگوهای خانوادگی و الگوهای مراکز آموزشی و الگوهای اجتماعی و همین‌طور الگوهایی که در رسانه‌های گروهی و مراکز هنری نظیر سینماها و تئاترها و... ارائه می‌شود نخواهیم شد. بدیهی است که اگر به این امر توجه نشود، جوان از برخورد به تعارض‌ها و تضادهای رفتاری و کرداری الگوهای بخش‌های مختلف جامعه در حقانیت ارزش‌ها و احکام ارائه شده توسط الگوها دچار شک و تردید خواهد شد. یعنی این کار در سبب سردرگمی و آشفتگی فکری و فرهنگی و اعتقادی شده، در نهایت به بی‌اعتمادی نسل جوان به شیوه الگویی و ارزش‌های پذیرفته شده اجتماعی منجر می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة... احزاب / ۳۱

۲. قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه... (ممتحنه / ۶)

۳. کذلک جعلناک امه و سناً... بقره / ۱۲۸

